اصلاحات اقتصادی از نگاه قرآن

علی پوریا

«اصلاحات» در هر چیزی یک ضرورت در نظام دنیوی است؛ زیرا تغییر در جهان مادی مقتضی اموری است که می‌توان گفت «فساد» به عنوان یکی از مقتضیات در آن امری طبیعی است؛ بنابراین، لازم است تا همواره «اصلاحات» انجام شود و امور در مسیر صحیح و کمالی خویش قرار گیرد. البته فعالیت‌های انسان در زمین به دلیل جهالت عقلی و علمی از اموری است که فساد را گسترش و تعمیق می‌بخشد؛ بنابراین، ضروری است تا عاقلان عالم در جامه «مصلحان» برای اصلاح اقدام کنند و نه تنها جلوی افساد جاهلان نادان بی‌خرد را بگیرند، بلکه فساد را به صلاح تبدیل کنند. در حوزه‌های اساسی چون فرهنگ(مائده، آیه ۹۷) و اقتصاد (نساء، آیه ۵) که «قیام» و بنیاد اجتماع بر آن است، لازم است تا توجه ویژه‌ای از سوی مصلحان بدان مبذول شود و اصلاحات فرهنگی و اقتصادی انجام شود. بی‌گمان در ایجاد تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب این ضرورتی است که خود را تحمیل می‌کند و عدم توجه به اصل اصلاحات در این حوزه‌ها می‌تواند انقلاب اسلامی و گفتمان جهانی آن را با شکست یا ناکامی مواجه سازد و کارآمدی آن را زیر سؤال برد و مشروعیت آن را از میان بردارد. در نوشتار حاضر اهمیت اصلاح و عدالت‌ورزی و عوامل فسادانگیز و مهم‌ترین اقدامات برای اصلاحات اقتصادی از نگاه قرآن بررسی شده است.

ولا تسرفوا
اسراف نکنید
Do not be wasteful
اعراف ۳۱

افسادگری انسان در ابعاد گوناگون

انسان از نظر قرآن دارای اراده اختیاری و حق انتخابی است که می‌تواند دو حالت متقابلی را برای اجتماع و حتی محیط زیست در دنیا و آخرت ایجاد کند. مشیت و اذن تکوینی الهی بر این قرار گرفته است که انسان دارای اراده و حق انتخاب باشد؛ هر چند که در مقام تشریع بر اوست تا تنها راه هدایت را انتخاب کند؛ زیرا در غیر این صورت با انتخاب راه ضلالت، در دنیا و آخرت گرفتار عذاب‌ها و شقاوت‌ها خواهد شد.

انسان با انتخاب‌های نادرست خویش در عرصه‌های گوناگون فساد و افساد می‌کند؛ زیرا راه هدایت الهی که به شکل فطری در او نهادینه و با هدایت تشریعی تقویت شده است(روم، آیه ۳۰) بر اساس عدالت سامان یافته است. عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای حق خود و بخشیدن حق هر چیزی به صاحب آن، مقتضی همان چیزی است که از آن به «صلاح» یاد می‌شود؛ اما انسان به دلیل جهالت‌های علمی و عقلی خویش، به ظلم و بی‌عدالتی رو می‌آورد و چیزها را در جای حق خود قرار نمی‌دهد و به کار نمی‌گیرد، این گونه است که به جای توحید، شرک می‌ورزد که ظلم عظیم و بر خلاف عدالت است(لقمان، آیه ۱۳)، و به جای شکر نعمت و استفاده درست و عملی از آن، کفران نعمت می‌کند و آن نعمت را در جای نادرست به کار می‌برد که خود ظلم عظیم و خروج از دایره عدالت در استفاده از نعمت‌های الهی است.(نمل، آیات ۱۹ و ۴۰؛ لقمان، آیه ۱۲؛ احقاف، آیه ۱۵)

پیامبران به عنوان مصلحان واقعی بر اساس اصل عدالت، مردم را به توحید و تقوا می‌خوانند؛ زیرا تقوای الهی همان عمل بر اساس عدالت الهی است که عالمان عاقل آن را می‌پذیرند.

از نظر آموزه‌های قرآن، رفتارهای برخاسته از نادانی و بی‌خردی موجب می‌شود تا چیزها را به گونه‌ای به کار گیرد که خروج از دایره عدالت است. بنابراین، به جای آنکه «صلاح» و «اصلاحی» انجام شود، موجب فساد و افساد می‌شود.

خدا در قرآن بیان می‌کند که بسیاری از مردم در اندیشه، بر اساس ظن و گمان عمل می‌کنند که انسان را به بی‌نیازی نمی‌رساند؛ زیرا تنها «علم» است که دریچه حق را به سوی انسان می‌گشاید. همچنین در حوزه انگیزه و اراده و عمل به جای بهره‌گیری از «عقل»، تابع «شهوت» است(نجم، آیات ۲۳ و ۲۸) که نتیجه آن نیز خروج از دایره حق به سوی باطل از جمله خیر به شر، خوب به بد، صلح به فساد، ایمان به کفر، شکر به کفران، طیب به خبیث، حلال به حرام ومانند آنها است.

با نگاهی به عرصه‌های گوناگون زندگی انسان حتی محیط زیست می‌توان دریافت چرا این همه فساد گسترش یافته است و این فسادها حتی در محیط زیست خشکی و دریایی چیزی جز دستاوردهای انسان نیست که با انتخاب غیر عالمانه و غیر عاقلانه تحقق یافته است و به جای آنکه بر اساس «عدالت» رفتار کند، به «ظلم» گرایش یافته که نتیجه آن فساد در محیط زیست و دیگر ابعاد زندگی انسان است.(روم، آیه ۴۱)

مصلحان فرهنگی و اقتصادی

چنانکه معلوم شد مفسدان کسانی هستند که فاقد عقل و علم هستند. از نظر قرآن، کسانی فاقد عقل و علم می‌شوند که «نفس» خویش را با فجور و بی‌تقوایی « دفن» کرده (شمس، آیات ۷ تا ۱۰) و قوه تعقلی، ادراکی و شناختی و حرکتی(حج، آیه ۴۶؛ اعراف، آیه ۱۷۹) خویش را با ظلم شرک و گناه «مختوم» (مهر خورده)کرده باشند.(بقره، آیه ۷)

خدا به انسان‌ها هشدار می‌دهد که بی‌خردان سبک مغز و سفیه که قوه ادراکی خویش را مهر کرده‌اند، هرگز نمی‌پذیرند که بی‌خرد و سفیه هستند؛ زیرا دچار نوعی وارونگی می‌شوند که نه تنها خود را عاقل و دیگران را سفیه بلکه بر اساس همین نگرش رفتارهای ظالمانه و مفسدانه خویش را عادلانه و مصلحانه می‌دانند.(بقره، آیات ۷ تا ۱۵)

بنابراین، مصلحان واقعی که «عاقل عالم» هستند می‌بایست بی‌توجه به مدعیان دروغین، اقدامات اصلاحی خویش را در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی انجام دهند و به «اقامه» آن اقدام کنند تا بتوانند بشریت را در مسیر هدایت عدالت محور توحید مدار قرار دهند.

از نظر قرآن، مصلحان که پیامبران از جمله امامان و پیشگامان آن هستند می‌بایست مردم را به «توحید» بخوانند که ریشه در نگرش درست نسبت به هستی دارد؛ زیرا هستی محدود به عالم محسوس و شهادت نیست، بلکه شامل عالم غیب نیز است که خدا، فرشتگان، رسالت، قیامت و آخرت از جمله آنها است.

این فلسفه هستی شناسی، موجب می‌شود تا هستی دارای اهدافی باشد که هر چیزی به سمت آن، هدایت فطری و تکوینی یافته است.(طه، آیه ۵۰) البته انسان از هدایت تشریعی مطابق هدایت فطری در قالب شرایع آسمانی نیز برخوردار است.(روم، آیه ۳۰) بر همین اساس، هر کسی که بخواهد به کمال بایسته و شایسته خویش برسد می‌بایست مطابق هدایت‌های تکوینی و تشریعی عمل کند. نتیجه چنین چیزی تقوای الهی است.(بقره، آیه ۲۱)

پیامبران به عنوان مصلحان واقعی بر اساس اصل عدالت، مردم را به توحید و تقوا می‌خوانند؛ زیرا تقوای الهی همان عمل بر اساس عدالت الهی است که عالمان عاقل آن را می‌پذیرند.

در حقیقت فلسفه توحیدی موجب می‌شود تا سبک زندگی خاصی به نام سبک اسلامی شکل گیرد که بر مدار و محور عدالت و اقامه آن به شکل عینی و ملموس می‌باشد. (حدید، آیه ۲۵؛ مائده، آیه ۸)

مهم ترین عوامل فسادانگیز اقتصادی

مطابق آموزه‌های قرآن، فساد اقتصادی زمانی تحقق می‌یابد که از سوی انسان رفتارهای نادرستی انجام شود که بر اساس جهالت عقلی و علمی است. شناخت این عوامل فسادانگیز اقتصادی می‌تواند برای اصلاح امور اقتصادی بسیار مهم و اساسی باشد.

اعراض از ذکر الهی(طه، آیه ۱۲۴؛ سباء، آیات ۱۵ تا ۱۷)، تجاوزگری به حقوق دیگران(بقره، آیه ۶۱)، ترک انفاق (قلم، آیات ۱۷ تا ۳۱)، ترک یتیم نوازی(فجر، آیات ۱۶ و ۱۷)، تصاحب ارث دیگران(فجر، آیات ۱۶ تا ۱۹ و روایات تفسیری)، تنوع خواهی و تجمل گرایی (بقره، آیه ۶۱)، حکومت ناصالح(بقره، آیات ۲۰۴ و ۲۰۵)، رباخواری(روم، آیه ۳۹؛ بقره، آیه ۲۷۶؛ نساء، آیه ۱۶۱)، ستمگری(ابراهیم، آیه ۳۴؛ نساء، آیه ۱۶۰)، سلطه سفیهان و سبک مغزان(نساء، آیه ۵)، وعده‌های شیطانی(بقره، آیات ۲۶۷ و ۳۶۸)، عدم تشویق دیگران به انفاق (فجر، آیات ۱۶ تا ۱۸)، کفر به خدا(بقره، آیه ۶۱، کهف، آیات ۳۵ تا ۴۲)، کفران نعمت(ابراهیم، آیات ۷ و ۳۴)، کم فروشی(اعراف، آیه ۸۵)، گردش نادرست ثروت(حشر، آیه ۷)، گناه (انفال، آیه ۵۲) مال دوستی(فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰) و مانند آنها از مهم‌ترین عوامل فسادانگیز در حوزه اقتصادی است؛ زیرا این عوامل موجب می‌شود تا اقتصاد از حالت رشد و پیشرفت باز بایستد و برکات الهی بر مردم و آن جامعه جاری نشود.

در یک کلمه آنچه اقتصاد را به اصلاح می‌کشاند، ایمان همراه با عمل صالح است که از آن به تقوای الهی یاد می‌شود، در حالی که بی‌ایمانی و بی‌تقوایی موجب فساد در همه ابعاد از جمله فساد اقتصادی می‌شود.(اعراف، آیه ۹۶؛ نحل، آیه ۱۱۲)

اموال عمومی مانند بیت‌المال و انفال و فیء و اقتصاد کشورمی‌بایست در اختیار عالمانی عاقل قرار گیرد که از عنصر اخلاقی امانت نیز برخوردار باشند.

مهم ترین اصلاحات اقتصادی

از نظر آموزه‌های قران، برخی از اعمال انسانی در حوزه اقتصادی به سبب آنکه خروج از دایره عدالت است، موجب فساد اقتصادی می‌شود. بنابراین، مصلحان واقعی به مقدار و توان خویش می‌بایست بر اساس عدالت محوری عالمانه و عاقلانه وارد میدان شوند و اصلاحاتی را انجام دهند که فساد را بردارد.(هود، آیه ۸۸) البته گاه لازم است برای حذف فساد و ایجاد اصلاحات، مفسدان را از میدان بیرون کنند که می‌تواند به حذف یا طرد آنان منجر شود. مهم‌ترین اصلاحات اقتصادی که می‌بایست انجام شود تا امکان لازم برای ایجاد «تمدن اسلامی» فراهم آید، عبارتند از:

۱.مبارزه با مفسدان اقتصادی: از آنجا که فساد ،ریشه در مفسدان اقتصادی دارد، لازم است تا به گونه‌ای عمل شود که مفسدان اقتصادی حذف یا طرد شوند و مسئولیت اقتصادی از آنان گرفته شود.

از نظر قرآن، سفیهان و بی‌خردان سبک مغز به سبب آنکه اهل «تعقل» نیستند نمی‌توانند عهده‌دار مسئولیت‌های مهم و اساسی بشوند. از آنجا که «قیام» اجتماع به اقتصاد است، لازم است تا اموال و اقتصاد در اختیار کسانی باشد که از «عقلانیت» برخوردار بوده آن را به کار می‌گیرند.

در همین راستا حتی اگر اموال، اموال شخصی سفیهان بی‌خرد است، این عامل قیام اجتماع از دستان آنان خارج و در اختیار عاقلان قرار گیرد.(نساء، آیه ۵)

در مسئله اموال عمومی مانند بیت‌المال و انفال و فیء و اقتصاد کشور می‌بایست در اختیار عالمانی عاقل قرار گیرد که از عنصر اخلاقی امانت نیز برخوردار باشند.(قصص، آیه ۲۷؛ یوسف، آیه ۵۵)

خدا در قرآن به این نکته توجه می‌دهد که حاکمان و قضات رشوه گیر و رانت خوار به سبب بی‌خردی واقعی و ظلمی که بر خود و اجتماع وارد می‌سازند، نمی‌توانند مسئولیت‌های اقتصادی اجتماع را به عهده گیرند. همچنین اهل تکاثر و کنزاندوزی حتی اگر به ظاهر عالم و عاقل باشند، به سبب فقدان عقل و علم حقیقی که بازدارنده از فجور و ظلم است، می‌بایست کنار گذاشته شوند و نباید فریب عناوین پرطمطراق آنان را خورد و آنان را بر مسند امور اقتصادی قرار داد یا ابقا کرد.(بقره، آیه ۱۸۸؛ توبه، آیه ۳۴)

خدا در قرآن به این نکته توجه می‌دهد که حاکمان و قضات رشوه گیر و رانت خوار به سبب بی‌خردی واقعی و ظلمی که بر خود و اجتماع وارد می‌سازند، نمی‌توانند مسئولیت‌های اقتصادی اجتماع را به عهده گیرند. همچنین اهل تکاثر و کنزاندوزی حتی اگر به ظاهر عالم و عاقل باشند، به سبب فقدان عقل و علم حقیقی که بازدارنده از فجور و ظلم است، می‌بایست کنار گذاشته شوند و نباید فریب عناوین پرطمطراق آنان را خورد و آنان را بر مسند امور اقتصادی قرار داد یا ابقا کرد.

۲.مبارزه با بی‌عدالتی: از مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی که فسادبرانگیز است، بی‌عدالتی اقتصادی است که می‌تواند همه فرآیند اقتصادی را در بر گیرد.

به سخن دیگر، ظلم اقتصادی محدود به توزیع و خرید و فروش نیست، بلکه می‌تواند در توزیع منابع ملی و ثروت تا مصرف را در بر گیرد. از این رو خدا در آیات قرآن خواهان «گردش سالم و عادلانه ثروت» در همه ابعاد و حوزه‌ها و فرآیندهای عمل اقتصادی است. پس همان طوری که اجازه نمی‌دهد تا در هنگام خرید و فروش، کم فروشی یا گران فروشی انجام شود(مطففین، آیات ۱ تا ۳؛ هود، آیه ۸۴؛ اعراف، آیه ۸۵)، همچنین اجازه نمی‌دهد تا ثروت و نعمت‌های الهی در دست یک عده قرار گیرد و میان همان‌ها دست به دست شود؛ برای همین منظور با ایجاد مالکیت عمومی جلوی این محدودیت گردش ظالمانه را گرفته است.(حشر، آیه ۷؛ انفال، آیات ۱ و ۴۲)

همچنین خدا خواهان رهایی از ظلم در مصرف است و اجازه نمی‌دهد تااشخاص با تبذیر و ریخت و پاش یا اسراف و زیاده روی در حوزه مصرف کالا و خدمات اقتصادی به اقتصاد زیان وارد کرده و فساد نمایند.(اسراء، آیه ۲۶؛ انعام، آیه ۱۴۱)

مبارزه با بی‌عدالتی در حقیقت تامین‌کننده اصلاحات اقتصادی خواهد بود؛ زیرا این امکان فراهم می‌آید تا همگان بتوانند از ثروت بهره گیرند و هیچ کالا و خدماتی بیهوده به دست سفیهان سبک مغز و جاهلان نادان هدر نرود و به فساد کشیده نشود.

از نظر قرآن، عدم استفاده از ابزارهای تعدیل‌کننده چون کیل و میزان و پیمانه و ترازو می‌تواند فسادبرانگیز باشد و به جای عدالت، ظلم و فساد در محیط زیست بشر گسترش یابد که آثار آن عدم دستیابی بشر به کمالات و تقرب به خدا به عنوان مهم‌ترین هدف هستی است.(اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۵ تا ۸۸؛ شعراء، آیات ۱۷۷ تا ۱۸۳)

از آنجا که همگان می‌بایست از ثروت و مواهب الهی در سطح نیاز بهره‌مند شوند، لازم است تا نظام اسلامی و امت اسلام، همه اسباب بهره‌مندی عمومی و همگانی را فراهم کنند و افزون بر مالکیت عمومی انفال می‌بایست هر کسی بخشی از ثروت و درآمد خویش را به عنوان «حق الهی» محرومان و سائلان در اختیار آنان قرار دهند تا این گونه از هر گونه فساد در عرصه اقتصادی جلوگیری و عدالت اجرایی شود.(بقره، آیات ۱۷۷ و ۲۱۵ و ۲۷۳؛ نساء، آیه ۸؛ معارج، آیات ۲۴ و ۲۵؛ ذاریات، آیه ۱۹)

ظلم اقتصادی محدود به توزیع و خرید و فروش نیست، بلکه می‌تواند در توزیع منابع ملی و ثروت تا مصرف را در بر گیرد. از این رو خدا در آیات قرآن خواهان «گردش سالم و عادلانه ثروت» در همه ابعاد و حوزه‌ها و فرآیندهای عمل اقتصادی است.

از مصادیق بی‌عدالتی و ظلم اقتصادی می‌توان به «ربا»اشاره کرد که ظلم در حوزه تامین منابع اقتصادی است؛ زیرا اگر کسی نیاز اقتصادی دارد دیگری نمی‌تواند با بهره‌گیری از توان مالی خویش ، اجحاف کند و فراتر از آنچه به او داده «درصد» اخذ کند.(بقره، آیه ۲۷۹)

بایدهای روابط همسران

کمک کار هم باشیم

محمدمهدی رشادتی

اهمیت کمک‌رسانی

دوران نامزدی، دورانی طلایی و رویایی به یادماندنی برای پسر و دختر است. آن دو پیوسته از خوبی‌ها، شادی‌ها، همکاری‌ها و همدردی‌ها، بحث می‌کنند. به یکدیگر وعده می‌دهند که در غم و شادی، سختی و آسانی، دارایی و نداری، شریک باشند. در علوم اجتماعی می‌گویند: هسته اصلی جامعه و کوچک‌ترین واحد اجتماعی، کانون خانواده است. چنانچه این کانون سالم و صالح باشد، جامعه نیز از سلامت کافی برخوردار خواهد بود.

از عوامل بسیار موثر سلامت و شراکت خانواده، یاری نمودن و کمک‌رسانی به یکدیگر است. کمک به همسر، خصوصا همکاری مرد با زن در کارهای سخت خانه، این کانون را بیش از پیش استحکام می‌بخشد، کنار هم بودن را شیرین می‌کند، دل‌ها را گرم می‌نماید، امید و نشاط را دو چندان می‌سازد، تفاهم و یکرنگی و دوستی را افزون می‌کند و لذت واقعی را به ارمغان می‌آورد.

انبوه وظایف

فعالیت خانم‌ها در محیط منزل بسیار است: از غذا پختن و آشپزی گرفته تا جارو و تمیز کردن، بچه‌داری و تربیت فرزندان، دوخت و دوز لباس، آماده ساختن امکانات پذیرایی میهمان‌ها، و گاهی تهیه و خرید مایحتاج زندگی از بیرون، و از همه مهم‌تر تامین خواسته‌های شوهر و انجام دادن امور فراوان دیگری که واقعا به شمارش در نمی‌آید.

از عوامل بسیار موثر سلامت و شراکت خانواده، یاری نمودن و کمک‌رسانی به یکدیگر است. کمک به همسر، خصوصا همکاری مرد با زن در کارهای سخت خانه، این کانون را بیش از پیش استحکام می‌بخشد، کنار هم بودن را شیرین می‌کند، دل‌ها را گرم می‌نماید، امید و نشاط را دو چندان می‌سازد، تفاهم و یکرنگی و دوستی را افزون می‌کند و لذت واقعی را به ارمغان می‌آورد.

تو ای برادر عزیز، اگر همسر خود را دوست داری و محبت او را می‌خواهی، حداقل در انجام دادن بخشی از این فعالیت‌ها، دلسوزانه کمک‌کار همسرتان باش. شیر دادن بچه و جمع و جور کردن آن، شاید از یک مرد ساخته نباشد، اما ظرف شستن، جارو نمودن، تمییز کردن وسایل، سفره پهن کردن، کمک در تدارک غذا و بسیاری از امور دیگری که مسلما از شما آقا برمی‌آید. بدین ترتیب دل همسرت را به‌دست می‌آوری.

دست‌آوردهای شگفت

ما مردان می‌توانیم در هر فرصت مناسب، بخشی از این وظایف را انجام دهیم و آنگاه ببینیم که چه اثرات شگفت و چه نتیجه سازنده‌ای در پی دارد.

این قبیل همکاری‌ها در منزل و همراهی با خانم و بچه‌ها، علاوه برکسب رضایت خداوند و به‌دست آوردن پاداش و ثواب بی‌شمار در آخرت که به برخی از آنها در ادامه مقاله اشاره می‌شود،

موجبات: ۱- جلب محبت و رضایتمندی خانواده
۲-ایجاد روحیه همیاری و همزیستی رفیقانه و مهربانانه
۳- رفع کدورت‌های احتمالی
۴- خودشکنی و تقویت منش متواضعانه و فروتنانه و مبارزه با خصلت‌های زشت خودپسندی و خودشیفتگی
۵- آموزش و راهنمایی عملی روش زندگی صمیمانه به فرزندان و...

از نتایج درخشان این نوع رفتار است.

البته خانم نیز می‌تواند در زمان فراغت، در برخی از کارهای همسر خود، کمک کار او باشد. این همیاری دوجانبه و دل‌سوزی دوطرفه، قدر مسلم بی‌نهایت زندگی را شیرین و دل‌چسب و قشنگ می‌کند.

به هم روحیه بدهید

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کاری یکدیگر بشوند. نه، بلکه، یکدیگر را از لحاظ روحی تدارک کنند. مردها معمولا با مسائل مشکل‌تری در جامعه برخورد دارند.

زن‌ها می‌توانند به آنها روحیه بدهند. می‌توانند خستگی آنان را از تنشان بیرون کنند. به آنها تبسم کنند و به ایشان دل‌خوشی دهند. اگر چنانچه خانم‌ها هم کاری بیرون از خانه دارند، باز مرد به او کمک کند و وی را تقویت نماید.

**حضرت فاطمه زهرا(س) درباره مردان شایسته می‌فرماید:
بهترین شما مردان مومن آنهایی‌اند که دو صفت دارند:
۱- نسبت به مردم نرم‌خوتر و مهربان‌تر هستند.
۲- نسبت به همسر خود کریمانه‌تر و بزرگوارانه‌تر برخورد می‌کنند.**

مراد از همکاری، همکاری روحی است. اینکه زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد. کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای ناکرده به راه‌های نادرست متوسل شود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند.

اگر چنانچه کار مرد مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی توجه و رسیدگی کافی نداشته باشد، زن باید این را به رخ او نکشد. اینها مهم است. اینها وظیفه زن است. از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد.(مطلع عشق، مقام معظم رهبری، ص۱۳۴)

تقسیم کار

وقتی دو نفر در کنار هم قرار می‌گیرند و همسر می‌شوند، بعضی از وظایف وجود دارد که بین آنها مشترک است. اما بهترش این است که تقسیم کار شود. در محیط خانواده، زن و شوهر با هم همکاری کنند. اگر شوهر یک مشکلی یا مضیقه‌ای دارد، زن با او بسازد. اگر زن داخل خانه یا در محیط کار دشواری دارد، شوهر باید به او کمک نماید. خود را در سرنوشت همسر باید شریک بداند. هر دو آنها این را برای خاطر خدا انجام دهند.(همان، ص۱۳۳)

حضرت علی(ع) و زهرای اطهر(س) بعد از ازدواج، به پیشنهاد پیامبر(ص) کارهای خانه را میان خود تقسیم کردند. امور بیرون منزل به عهده علی(ع) و کارهای داخل منزل به عهده فاطمه(س) قرار گرفت. هرگاه امیرالمومنین(ع) فراغت می‌یافت، به فاطمه(س) در امور خانه کمک می‌کرد.

روزی رسول اکرم(ص) به خانه علی(ع) آمد و دید هردو مشغول کارند. حضرت فرمودند: کدام‌یک از شما بیش‌تر خسته شده‌اید تا کمک او کنم؟ علی(ع) فرمود: زهرا(س). پیامبر(ص) به دخترش استراحت داد و خود مشغول کار شد. در عین حال هرگاه علی(ع) به جنگ و یا مأموریت می‌رفت، همسر مهربانش امور بیرون خانه را نیز انجام می‌داد.(داستان راستان،شهید مطهری(ره)، ص۳۹۸)

ارزش همکاری مرد در خانه

حضرت فاطمه زهرا(س) درباره مردان شایسته می‌فرماید:

بهترین شما مردان مومن آنهایی‌اند که دو صفت دارند:
۱- نسبت به مردم نرم‌خوتر و مهربان‌تر هستند.
۲- نسبت به همسر خود کریمانه‌تر و بزرگوارانه‌تر برخورد می‌کند.

(فرهنگ سخنان فاطمه(س)، محمد دشتی(ره) ص۱۳۹)

از نگاه فاطمه(س) ملاک ارزشمندی مرد بستگی دارد به میزان روابط شایسته با مردم و نیز نحوه برخورد او با خانواده خویش. از جمله مصادیق برخورد کریمانه مرد با همسر خود، کمک و یاری رساندن در وظایف سنگین خانه است.

در کتاب ارزشمند معراج السعادة از پیامبر اکرم(ص) حدیثی زیبا نقل می‌کند که دست‌گیری از خانواده چه اندازه در پیشگاه خداوند ارزش دارد.

روزی رسول خدا(ص) به خانه امیرالمؤمنین آمد، دیدند: علی مشغول پاک کردن عدس هستند و خانم فاطمه(س) نزدیک دیگ غذا نشسته است. پیامبر(ص) فرمود: بشنو ای ابوالحسن که آن چه می‌گویم سخن خداست. هیچ مردی نیست که در خانه کمک کار زن خود باشد، مگر این که:

۱- خداوند به وی عوض هر مویی که در بدن اوست، پاداش عبادت یک سال را می‌بخشد، به طوری که گویا روز آن را روزه و شب آن را به عبادت پرداخته است.

۲- عطا می‌کند از ثواب به او مثل آن چه به صابران داده که هم چون داوود پیغمبر و یعقوب و عیسی(ع) باشد.

۳-ای علی(ع) هرکس در خانه خود مشغول خدمت عیال باشد و مضایقه نکند، خدا اسم او را در دفتر شهدا می‌نویسد.

۴- و هر روز و شبی، ثواب هزار شهید از برای او ثبت می‌کند.

۵- و به هر قدمی که بر می‌دارد، ثواب حج و عمره به او می‌دهد.

۶- و به عدد هر رگی که در بدن اوست، شهری در بهشت به او عطا می‌فرماید.

۷- ای علی(ع)، یک ساعت خدمت در خانه، بهتر از عبادت هزار سال و هزار حج و هزار عمره و هزار بنده آزاد کردن و هزار مرتبه جهاد نمودن و عیادت هزار مریض و برگزاری هزار نماز جمعه و هزار تشییع جنازه کردن و سیر کردن هزار گرسنه و پوشاندن هزار برهنه و روانه ساختن هزار اسب در راه خدا برای جهاد است.

و بهتر است از این که تورات و انجیل و زبور و قرآن را تلاوت کند و هزار اسیر آزاد نماید و هزار بار شتر به افراد مسکین ببخشد.

۸- از دنیا بیرون نرود مگر اینکه جای خود را در بهشت مشاهده کند.

۹- ای علی(ع)، خدمت عیال، کفاره گناهان کبیره است.

۱۰- و غضب و خشم پروردگار را فروکش می‌کند.
۱۱- و مهر حورالعین می‌شود.
۱۲- و حسنات را افزایش می‌دهد.
۱۳- و درجات و مقامات را رفیع می‌گرداند.
۱۴- ای علی(ع) خدمت عیال را نمی‌کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند غیر دنیا و آخرت را برای او خواسته باشد. (معراج السعادة، ص ۳۵۷)

امام سجاد(ع) فرمود:

بازار رفتن و خرید یک درهم گوشت برای اهل و عیالم که هوس گوشت کرده‌اند، برای من از بنده آزاد کردن محبوب‌تر است.

امام صادق(ع) فرمود:

مردی که برای عائله خود رنج برده است، مانند سربازی است که در راه خدا جان برکف می‌نهد و کسی که با خانواده خود رفتار خوبی داشته باشد، عمرش طولانی گردد.(ازدواج در اسلام ص ۱۲۰-۱۲۵)

از پیامبر خدا(ص) نقل می‌شود:

هرگاه مرد به زن خود آب بنوشاند، پاداش می‌برد، و مردی که به طرف دهان همسرش لقمه‌ای بالا می‌برد، پاداش خواهد گرفت.(میزان الحکمة ج ۱ ص ۴۶۱)

در تعابیر دینی از زن به عنوان «ریحانه و گل خوش‌بو» یاد شده است. کمک‌رسانی به او این گل را ماندگارتر می‌کند. این همه تأکید بر توجه به خانواده بسیار قابل تأمل است. به نظر می‌رسد که کمال نهایی انسان در خودشکنی و خانواده‌داری است. بنابراین اگر سعادت ابدی را خواستاریم شایسته و ضروری است که این همیاری و همکاری به نحو مطلوب صورت گیرد.

چراغ راه

دشمنی خدا با مومن ضعیف بی‌عقل

قال‌النبی(ص): «ان‌الله یبغض المومن الضعیف الذی لا زبر له، و هو الذی لاینهی عن‌المنکر».

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: کسی که نهی از منکر نکند مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد، و ایمانش ضعیف است و از عقل بهره‌ای ندارد. (۱)

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۹

حکایت خوبان

افزایش قوت و قدرت با عمل به اندوخته‌های علمی

روزی مردی به حضور امام سجاد (که سلام خدا بر او باد) آمده و از امام چند تا سؤال کرد و از آن حضرت پاسخ سؤالهایش را گرفت.

وقتی مرد جوابش را گرفت، از پیش امام مرخص شد، ولی چند قدمی بیش نرفته بود که دوباره نزد امام بازگشت و سؤال دیگری را مطرح نمود، و گویا تصمیم داشت همچنان به سؤالات خود ادامه دهد.

امام سجاد (ع) برای آنکه به او بفهماند، دانستن برای عمل کردن است، نه انباشتن، رو به او کرد و فرمود: در کتاب مقدس «انجیل» نوشته شده است: مادام که به آنچه می‌دانید، عمل نکرده‌اید، از آنچه نمی‌دانید نپرسید (و به دنبال افزایش علم خود نباشید)، زیرا اگر به اندوخته‌های علمی، عمل نگردد، حاصلی جز کفر و ناسپاسی برای صاحبش نداشته و موجب دوری او، از خداوند می‌گردد.(۱)

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۴

پرسش و پاسخ

منطق قدرت(۲)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی قدرت در منظومه فکری و عملی فرد مسلمان و جامعه اسلامی از چه جایگاه و پشتوانه منطقی برخوردار است؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال وجوه تمایز منطق قدرت در نظام طبیعت و نظام اسلامی را با دو بحث ملزومات جامعه اسلامی و دارا شدن اقتدار درونی و بیرونی مطرح کردیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

تفاوت قدرت و قوه

می‌توان گفت که قدرت شکل خاصی از قوت است و می‌توان گفت قدرت در مقابل عجز با قوت که در مقابل ضعف است، فرق می‌کند. به هر حال صنعت، تکنیک، همچنین انتظام، تشکیلات، نظم و اتفاق، قدرت می‌بخشد و شاید بشود (گفت)، بدون آنکه قوه را مضاعف کند، قوه را در اختیار قرار می‌دهد، اما سلامت و همچنین صبر و شجاعت هم قوه است. اسلام، هم طرفدار قوه است و هم طرفدار قدرت، برای تسلط بر طبیعت و یا برای تسلط بر کارهای بزرگ در اجتماع انسان‌ها و یا دفاع از انسان‌ها. (یادداشت‌ها، ج ۱، ص ۳۲۳)

اقتدار اصل ثابت

قدرت یکی از عوامل و مشخصات است. اسلام که به قول ویل دورانت هیچ دینی مانند آن دعوت به قدرت نکرده است، آنجا که از «قاتلوا فی سبیل‌الله الّذین یقاتلونکم» و از «واعدّوالهم مااستطعتم من قوّه...» و از «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» دم می‌زند نمی‌گوید اگر به طرف راست شما سیلی وارد شد طرف چپ را پیش آورید، نشان می‌دهد که دین قوت است. سعدی اشتباه کرده که می‌گوید: من آن مورم که در پایم بمالند نه زنبورم که از نیشم بنالند چگونه شکر این نعمت گزارم که دارم زور و آزاری ندارم. (همان، ص ۳۲۲)

اقتدار ملی

در اسلام یک اصل اجتماعی هست به این صورت: «و اعدوالهم ما استطعتم من قوه» یعنی ای مسلمانان، تا آخرین حد امکان در برابر دشمن نیرو تهیه کنید. از طرف دیگر در سنت پیغمبر (ص) یک سلسله دستورها رسیده است که در فقه به نام «سبق و رمایه» معروف است. دستور رسیده است که خود و فرزندانتان تا حد مهارت کامل، فنون اسب‌سواری و تیراندازی را یاد بگیرید. اسب‌دوانی و تیراندازی جزء فنون نظامی آن عصر بوده است. بسیار واضح است که ریشه و اصل قانون «سبق و رمایه»، اصل «و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوه» است؛ یعنی تیر و شمشیر و نیزه و کمان و قاطر و اسب از نظر اسلام اصالت ندارد؛ آنچه اصالت دارد نیرومند بودن است. آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان در هر عصر و زمانی باید تا آخرین حد امکان از لحاظ قوای نظامی و دفاعی در برابر دشمن نیرومند باشند. لزوم مهارت در تیراندازی و اسب‌دوانی جامه‌ای است که به تن لزوم نیرومندی پوشانیده شده است و به عبارت دیگر شکل اجرایی آن است. لزوم نیرومندی در مقابل دشمن قانون ثابتی است که از احتیاج ثابت و دائمی سرچشمه گرفته است. (مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۱۱۹)

تحصیل قدرت و وحدت

از طرفی می‌دانیم که هیچ کار و عملی بدون قدرت و نیرو میسر نیست و در اسلام تحصیل قدرت واجب است (واعدّوا لهم ما استطعتم من قوّه). این قوّه اختصاص به تجهیزات جنگی ندارد، جنگ، مبارزه و تنازع بین حق و باطل همیشه با شکل‌های مختلف هست. از طرفی قدرت بدون اتحاد و اتفاق میسر نیست و اتحاد هم هنگامی به شکل یک قدرت و نیرو در می‌آید که نظمی و تشکیلاتی بوده باشد، مرکزی و فرمانی و اطاعت و اجرایی بوده باشد و مخصوصاً سرعت اجرا بدون نظم و تشکیلات میسر نیست. (یادداشت‌ها، ج ۱، ص ۱۳۸)

ادامه دارد

سلوک عارفانه

راهکار شجاع شدن سالک

(بدان ای سالک راه خدا!) حد توسط نیروی خشم، یکی از اصول ملکات نفسانی است که «شجاعت» نامیده می‌شود. شجاعت همان حالت متوسط بین تهور و جبن است که برای نفس پیدا می‌شود، یعنی جایی که شخص باید خشمگین شود، خشمگین می‌شود، و جایی که نباید خشمش را تحریک کند، آن را تحریک نمی‌کند. مقدار مصرف خشم نیز چنین است که در رابطه با هر عملی، آن حدی را که برای خشم تعیین شده است، در نظر می‌گیرد. در کیفیت و چگونگی مصرف خشم هم از مرزی که تعیین شده، تجاوز نمی‌کند. این حالت، حالت شجاعت است.(۱)

۱- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج ۳، ص ۶۳